

The Model of Teaching Citizenship Assignments in Schools and its Effect on the Development of Social Order

Received: 20, March, 2023

Accepted: 16, August, 2023

Article type: Research Article

PP: 29-62

DOI:

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519)

Ali Chekandinejad

Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran. Email: chahkandi@iaubir.ac.ir

Hamidreza Mohammadzadeh Mehneh

PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran. (Corresponding Author). Email: clyhmm@gmail.com

Elham Shokrian

MA in Islamic Philosophy and Theology, Al-Zahra University, Teacher in Education Ministry, Varamin City, Iran. Email: safarim143@gmail.com

Abstract

Background and objectives: The main function of citizenship is managing the society based on respecting the rights of others and committing to perform duties, and awareness of citizenship duties provides the basis for performing bilateral duties. The aim of the current research was to identify and explain the model of teaching citizenship assignments in the country's education system according to experts.

Methodology: This research was conducted using an exploratory mixed method. The statistical population of the qualitative phase was law experts and professors of Amin Police University in the field of law and citizenship duties, fifteen of them were selected based on the theoretical saturation method with targeted sampling. The research tool in the qualitative phase was a semi-structured interview and review of the available documents in this field. The statistical population of the quantitative phase was the teachers of all levels of education in the 5th district of Tehran in the academic year of 2022-2023, and 267 individuals were selected as a sample using Cochran's formula and stratified random sampling method. The research tool in the quantitative part was a researcher-made questionnaire based on the data of the qualitative part. In the qualitative phase, the data were analyzed by thematic analysis method and in the quantitative phase, the data were analyzed by the confirmatory factor analysis method in SPSS and LISREL software.

Findings: The analysis of the data in the qualitative phase led to the identification of the "model of the need to teach citizenship assignment" in the form of six main organizing themes, which are: "financial and economic assignment", "health assignment", "moral assignment", "cultural and social assignment", "legal assignment", and "political assignment" were organized. Then, the effect of teaching each of the mentioned topics in the development of social order was analyzed from the point of view of the statistical community.

Results: It is necessary to plan for the teaching of citizenship assignments in the schools of the country, based on the identified themes. Therefore, it is necessary, unlike in the past when only citizenship rights were discussed, that the officials of the country's education system should pay more attention and care to the teaching of citizenship assignments and include more content from these assignments in the books and curriculum of students.

Keywords: Assignment, Citizenship, Social order, Education.

Citation(APA): Chekandinejad, Ali; Mohammadzadeh Mehneh, Hamidreza; Shokrian, Elham. (2023). "The Model of Teaching Citizenship Assignments in Schools and its Effect on the Development of Social Order", *Journal of Social Order*, 15(3), pp. 29-62.

Doi: [10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519)

الگوی آموزش تکالیف شهروندی در مدارس و تأثیر آن در توسعه انتظام اجتماعی

چکیده

زمینه و هدف: کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف است و آگاهی از تکالیف شهروندی، زمینه را برای انجام وظایف دوجانبه فراهم می‌کند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین الگوی آموزش تکالیف شهروندی در نظام آموزشی کشور، از نظر خبرگان بود.

روش: این پژوهش با رویکرد ترکیبی آمیخته اکتشافی انجام شد. جامعه آماری بخش کیفی، متخصصان و استادان حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین در حوزه حقوق و تکالیف شهروندی بود که مبتنی بر روش اشباع نظری با نمونه‌گیری هدفمند، تعداد پانزده نفر از آنان انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و بررسی اسناد موجود در این زمینه بود. جامعه آماری بخش کمی، معلمان همه مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که ۲۶۷ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش کمی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته مبتنی بر داده‌های بخش کیفی بود. در بخش کیفی، داده‌ها با روش تحلیل مضمون و در بخش کمی، داده‌ها با روش تحلیل عامل تأییدی در نرم‌افزارهای SPSS و LISREL تحلیل شدند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها در بخش کیفی منتج به شناسایی «الگوی نیاز به آموزش تکالیف شهروندی» گردید که در قالب شش مضمون سازمان‌دهنده اصلی که عبارت‌اند از: «تکالیف مالی و اقتصادی»، «تکالیف بهداشتی»، «تکالیف اخلاقی»، «تکالیف فرهنگی و اجتماعی»، «تکالیف قانونی» و «تکالیف سیاسی» سازمان‌دهی شدند. سپس تأثیر آموزش هر یک از مضامین یادشده در توسعه انتظام اجتماعی، از دیدگاه جامعه آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: برنامه‌ریزی برای آموزش تکالیف شهروندی در مدارس کشور، بر مبنای مضامین شناسایی شده ضروری است؛ بنابراین، لازم است برخلاف گذشته که فقط بحث حقوق شهروندی مطرح بود، مسئولان نظام آموزشی کشور توجه و اهتمام بیشتری نسبت به آموزش تکالیف شهروندی و گنجاندن مطالب بیشتری از این تکالیف در کتاب‌ها و برنامه درسی دانش‌آموزان داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تکلیف، شهروندی، انتظام اجتماعی، آموزش و پرورش.

استناد (APA): چهکندی‌نژاد، علی؛ محمدزاده مهینه، حمیدرضا؛ شکران، الهام. (۱۴۰۲). «الگوی آموزش تکالیف شهروندی در مدارس و تأثیر آن در توسعه انتظام اجتماعی». نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۵(۳)، صص ۲۹-۶۲.

شناسه دیجیتال: [10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519)

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۲۹-۶۲

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1273274.2519)

علی چهکندی‌نژاد

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

chahkandi@iaubir.ac.ir

حمیدرضا محمدزاده مهینه

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه:

clyhmm@gmail.com

الهام شکران

کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه الزهرا (س)، دبیر آموزش و پرورش، شهر ورامین ایران. رایانامه:

safarim143@gmail.com

شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات، تکالیف و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد. با این وصف، مسیر اصلی و راه‌حل قطعی پاسداری از حقوق شهروندی، مشارکت همه نهادها و آحاد جامعه در رعایت تکالیف شهروندی است. از سوی دیگر، توجه مردم در امور جامعه، متأثر از سطح تحصیلات، منزلت شغلی، سطح درآمد، پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، سن، جنسیت، منطقه مسکونی، محل تولد، نژاد، زبان، مهاجر یا بومی بودن، وضعیت تأهل، مذهب و ... می‌باشد. موارد یادشده به‌عنوان کنشی اجتماعی، قابل آموختن هستند؛ بنابراین، لازم است مجموعه تکالیفی که بر عهده شهروندان نهاده شده، مشخص و آموزش داده شود. هدف اصلی آموزش و پرورش، تربیت نیروی انسانی کارآمد برای نیازهای جامعه‌ای است که بازار کار، مؤسسات و نهادهایش روزبه‌روز تحت تأثیر جریانات متحول‌کننده ناشی از جهانی‌شدن قرار دارد؛ این امر در گرو لحاظ کردن مهارت‌ها و تخصص‌های لازم برای پاسخ‌دادن منطقی و مطلوب به این الزامات است (دهقان‌زاده و جعفری، ۱۴۰۰، ۲). دانستن حقوق و تکالیف شهروندی، ازجمله مهارت‌هایی است که باید در مدرسه آموزش داده شود تا دانش‌آموزان علاوه بر آشنایی با حقوق خود، تکالیف و مسئولیت‌های شهروندی که بر عهده‌شان است را فراگیرند. گنجاندن مطالب ضروری یادشده، افراد متعهد و مسئول و آگاه را پرورش خواهد داد تا نظام نماینده - شهروند را که نظامی عادلانه و قانونمند است، بنا نهند؛ نظامی که افراد جامعه در آن حق آزادی، مشارکت، انتخاب و ... داشته باشند (ساندرا، ۱۳۹۸، ۱۱).

باوجوداین، در حوزه حقوق شهروندی بایستی حق‌های پیش‌بینی‌شده برای اشخاص را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. حقوق شهروندی «صرف یا مطلق» هستند که به تمامی شهروندان یک جامعه بدون برخورداری از تکالیف خاص یا انجام‌وظیفه مشخصی اعطا می‌شود و دولت‌ها وظیفه دارند آن‌ها را بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، برای شهروندان مهیا نمایند؛ به‌عنوان نمونه، داشتن حق حیات، آزادی، داشتن محیط‌زیست سالم، هوای پاک، آب شرب، خدمات

درمانی مناسب، امنیت عمومی و رفاه اجتماعی ...؛ و ۲. «حقوق مشروط یا مقید» است که در مقابل انجام تکالیف خاص و تعیین شده، به شهروندان اعطا می‌شود. این موضوع در واقع، نشانگر «نسبی بودن» برخورداری از حقوق شهروندی در عین مساوات و عدالت است. نگارندگان بر این عقیده‌اند که بهره‌مندی از حقوق شهروندی بایستی بر همین مبنا صورت گیرد. نکته دیگر این‌که اعطای حقوق شهروندی، برای همیشه و ابدی نیست. در واقع، در کنار اصل «نسبی بودن» موضوع حقوق شهروندی باید به اصل «فناپذیری و مؤبد نبودن» حقوق شهروندی نیز اشاره کرد. بر اساس این اصل، در صورتی که شهروندان به تکالیف و وظایف شهروندی‌شان پایبند نبوده یا قوانین و مقررات، هنجارها و ارزش‌های جامعه سیاسی را رعایت نمایند، حقوق شهروندی آن‌ها به فراخور نوع اقدام و ارتکاب رفتار غیرمسئولانه و نامتعارف، قابلیت سلب دارد؛ نمونه بارز این بحث، سلب برخی از مصادیق حقوق شهروندی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) است (قاسمی پیربلوطی و جعفری، ۱۳۹۸، ۲۵).

باتوجه به رشد و توسعه علمی، فنی، اقتصادی و... جوامع جدید، و گسترش شهرها و تبدیل روستاها به فضای شهری، ارزش‌ها و هنجارهای مدنی و اخلاقی، شهروندان در قالب اخلاق شهروندی شکل گرفته است، باوجود اینکه شهروندان در شهرها از حق و حقوقی برخوردارند در مقابل، دارای وظایف و مسئولیت‌هایی نیز هستند که باید آن را ادا نمایند. به بیان بهتر، لازمه زندگی سالم و پایدار در جوامع، برخورداری از درجاتی از پایبندی و رعایت اخلاق شهروندی است که بتواند موجبات حفظ روابط، نظم اجتماعی، مشارکت مدنی، تمایل به همکاری و احترام به قواعد رسمی را فراهم کند (شیانی، ۱۳۹۴، ۱۲).

واقعیت این است که مسئله مهم و حیاتی تکالیف شهروندی و آموزش‌های مربوط به آن در کشور ما مغفول مانده است؛ به طوری که حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز قانونی حق محور بوده و جز در اصول معدودی نظیر اصل هشتم در مورد تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر و اصل پنجاهم در مورد ضرورت حفظ محیط زیست، درباره تکالیف شهروندان در برابر دولت، سکوت اختیار کرده است. به همین دلیل، انجام دادن پژوهش‌های راهبردی در

این حوزه ضرورت دارد. از آنجا که آموزش و پرورش مبدأ تربیت نسل‌های بعدی جامعه است، بهترین فضا برای آموزش تکالیف و مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌شود؛ از این رو، در پژوهش حاضر به شناسایی ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های (الگوی) آموزش تکالیف شهروندی از منظر صاحب‌نظران پرداخته خواهد شد و سپس، تأثیر الگوی یادشده در توسعه انتظام اجتماعی سنجیده خواهد شد؛ بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر به این صورت است که الگوی آموزش تکالیف شهروندی در مدارس کشور، به چه شکلی است؟ آیا آموزش تکالیف شهروندی در مدارس می‌تواند به توسعه انتظام اجتماعی کمک نماید؟

پیشینه و مبانی نظری

الف) پیشینه

مرور و بهره‌گیری از پژوهش‌های انجام‌شده، به منظور آگاهی از میزان و نوع اطلاعات موجود درباره مسئله مورد مطالعه و دستیابی به ایده‌هایی درباره آن، انجام می‌شود. در خصوص مقاله پیش‌رو، تلاش‌ها و پژوهش‌هایی انجام شده که در راستای هرچه غنی‌تر شدن بنیان‌های نظری تحقیق، از آن‌ها بهره‌برداری شده است. بدیهی است این تلاش‌ها به مدد هم‌فکری و توسعه پژوهش، در مسیر تکامل پیش می‌رود و پژوهش حاضر نیز با هدف پیشبرد مباحث در این حوزه انجام می‌شود.

کرمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های فرمانطقه‌ای تربیت شهروندی در مکتب اسلام» به دو کد انتخابی اصلی (سیاسی و اجتماعی) به عنوان ابعاد تربیت شهروندی اسلام با نگاه فرمانطقه‌ای دست یافتند.

رشوند (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش آموزش حقوق و تکالیف شهروندی بر هوش فرهنگی شهروندان شهر تهران» بیان کردند که انتخاب رفتار مناسب از یک فهرست کامل رفتارهای صحیح برای موقعیت‌های فرهنگی مختلف، به بُعد رفتاری یا حرکتی هوش فرهنگی، اشاره دارد. در واقع، فرد بر اساس شناخت و آگاهی‌هایی که از فرهنگ مقابل، به دست می‌آورد تلاش

می‌کند تا با توجه به موقعیت‌ها، واکنش مناسبی نشان دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت آموزش تکالیف و حقوق شهروندی بر هوش فرهنگی فراشناختی، شناختی، انگیزی و عملیاتی تأثیرگذار است.

دهقان‌زاده و جعفری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزشی کشور» ضمن شناسایی و تحلیل مضامین مرتبط با حقوق شهروندی، به این نتیجه دست یافتند که برنامه‌ریزی برای آموزش حقوق شهروندی در مدارس کشور و آگاه نمودن دانش‌آموزان ضروری است.

جعفری (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «آموزش و پرورش و تربیت شهروندی» به این نتیجه دست یافت که نظام آموزش و پرورش کشور باید در برنامه‌های درسی خود به تربیت شهروند اخلاق‌مدار، متعهد به محیط‌زیست، مشارکت مدنی و مسئولیت‌پذیری، صلح و مسالمت‌جویی، تربیت شهروند با هویت جهانی و توانایی‌های علمی و عملی بپردازد.

اعرافی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی» سعی کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که آیا افراد جامعه نسبت به تربیت اخلاقی یکدیگر وظیفه دارند؟

نیک‌ورز و افراسیابی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق شهروندی» به این نتیجه دست یافتند که هم‌نوایی با سایر شهروندان، حس شهروندی، احساس تکلیف و اهمیت شهروندی با رعایت اخلاق شهروندی ارتباط مثبت و معنادار دارد. چنانچه ذهنیت شهروندان و فرهنگ‌سازی آن‌ها بر مبنای اخلاق، صورت گیرد می‌توان انتظار داشت که اخلاق شهروندی به‌خوبی رعایت شود و همگی بر تکلیف و وظیفه خود، آگاه شده و بر مبنای آن، عملکرد متناسبی خواهند داشت.

فتحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی رعایت اخلاق شهروندی در فضای شهری» که با روش پیمایشی انجام شد، به این نتیجه دست یافت که متغیرهای نوع تصور از تکلیف شهروندی، اهمیت شهرنشینی،

همنوايي با ساير شهروندان، نظارت وجدان بر عملکرد فرد در فضاهای شهری، تصورات شهروندان از فايده‌مندی خویش بر میزان رعایت اخلاق شهروندی اثرگذار است. درواقع، این متغیرها به‌عنوان عامل اثرگذار، نقش بسزایی در تبیین جامعه‌پذیری اخلاق شهروندی در راستای رعایت آن در تمامی عرصه‌های فضاهای شهری دارند.

جاوید و ابراهیمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به واکاوی، شناسایی و تبیین تکالیف شهروندی مذکور در قانون اساسی، پرداخته است که عبارت‌اند از: پذیرش حکومت اسلامی، احترام به قوانین و مقررات، حفظ استقلال، آزادی، وحدت و تمامیت ارضی کشور، منع تجاوز به منافع عمومی و اضرار به حقوق دیگران، حفظ محیط‌زیست، پرداخت مالیات، عوارض و سایر تکالیف مالی، انجام خدمت وظیفه برای مردان، شرکت در تعیین سرنوشت کشور، امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از زبان فارسی در مکاتبات رسمی و منع تصدی بیش از یک شغل دولتی.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشتر تحقیقات انجام‌شده، به‌صورت کلی به موضوع حقوق شهروندی، توجه داشته و مبحث الزام به انجام تکالیف شهروندی به‌عنوان زمینه‌ای برای تحقق حقوق شهروندی، مغفول مانده است.

ریولی^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «آموزش‌های شهروندی در دبیرستان» به این نکته اشاره کرده است که سطح علاقه‌ها و دانش سیاسی و مدنی دانش‌آموزان ایتالیایی با آنچه که در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود، همبستگی قوی دارد. آموزش حقوق شهروندی عملاً به‌عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی برای اعضا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هدف اصلی برنامه‌های آموزش حقوق شهروندی در مدارس، باید درگیر کردن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی خود (اجتماع) باشد.

1. Rivelli

ب) مبانی نظری

مفهوم شهروندی

«شهروند، فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت، تکالیفی به عهده دارد.» (جهانیان، ۱۳۹۳، ۴۴). شهروندی در کلیت خود متضمن دخالت مسئولانه در روندهای اجتماعی است و از این منظر تعهدات پذیرفته شده در یک بستر اجتماعی خاص اعمال می‌شود؛ به عبارت دیگر، شهروندی به مثابه یک موقعیت عضویت در اجتماع، استلزامات خاص خود را نیز در پی دارد که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است. تعهدات اجتماعی نسبت به سایر شهروندان و حیات جمعی مشترک، معطوف به نیازهای اساسی همه شهروندان است؛ به مثابه بستری جهت تحقق سایر نقش‌آفرینی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و حقوق شهروندی در واقع، حد وسط حقوق دولت و حقوق آحاد جامعه تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر، حقوق شهروندی میان تکالیف و حقوق انسان به مثابه موجودی ذی‌شعور که بنا دارد با همگنان خود در جامعه‌ای صلح‌آمیز زندگی کند و اخلاق و عقل و وجدان خود را در پرتو درکی که از ارزش‌های حیات مشترک بشری دارد، در یک فضای تعاملی، ارتقا بخشد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۲، ۱۳).

تربیت و آموزش شهروندی

آموزش شهروندی را می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای برای آموزش کودکان از اوایل کودکی، تبدیل‌شدن به شهروندانی روشن‌فکر که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، مشارکت دارند، دانست. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در باب تربیت شهروندی این‌گونه بیان شده است: «تقویت آداب و مهارت‌های زندگی و توانایی حل مسائل و عمل به آموخته‌ها برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان». با این اوصاف، سال‌هاست که در اکثر کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته در حوزه تربیت شهروندی، پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته و نظام‌های آموزشی در اقصی نقاط جهان، توجه

زیادی به تربیت شهروندی نشان داده و اقدامات اصلاحی زیادی را در این باب انجام داده‌اند؛ این اقدامات شامل ارائه موضوعات درسی جدید از جمله آموزش مدنی، آموزش دموکراتیک، آموزش ملی و آموزش سیاسی، همچنین انجام اصلاحات در برنامه‌های درسی موجود می‌شوند. آموزش‌وپرورش در جوامع امروزی به‌عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه‌جانبه به‌شمار می‌رود، زیرا در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند (بصیری، ۱۳۹۸، ۱۱). تولید و توزیع امنیت در بستر نیازهای جامعه وظیفه نهادهایی همچون دین، فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، قوانین، خانواده، آموزش‌وپرورش، سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد، مساجد و... است.

تکالیف شهروندی

واژه «تکلیف» در زبان فارسی به معنای به رنج افتادن، بار کردن، به گردن گذاشتن، کاری سخت را به عهده کسی گذاشتن، رسیدن به سن بلوغ و رشد، وظیفه‌ای که باید انجام شود، اوامر و نواهی خداوند بر بندگان آمده است (معین، ۱۳۷۱، ۱۱۲۷). در اصطلاح حقوقی، «تکلیف» عبارت است از «اوامر» و «نواهی» قانونی که آن‌ها را الزامات قانونی می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۷۷). تکلیف می‌تواند دسته‌بندی‌های متفاوتی داشته باشد؛ مثلاً تکلیف قانونی، سازمانی، دینی، اخلاقی، اجتماعی و... متناسب با نوع تکلیفی که تعیین می‌شود، تخلف از آن نیز می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرا مشخص شود؛ به‌طور مثال عدم پایبندی و انجام تکالیف می‌تواند هم مصداق جرم باشد و مجازات را در پی داشته و هم می‌تواند به‌عنوان تخلف صنفی، شغلی، انضباطی، سازمانی، اداری و... تلقی شده و تنبیه را در پی داشته باشد و هم می‌تواند صرفاً به‌عنوان رفتاری غیراخلاقی و مذموم؛ فرد متخلف کژرو و بی‌مسئولیت محسوب شده در نتیجه شماتت و سرزنش فردی، گروهی، جمعی، اجتماعی، سازمانی و... را ایجاد کند (قاسمی پیربلوطی و جعفری، ۱۳۹۸، ۱۹۵).

انسان به‌مثابه «شهروند» باید به تکالیفی عمل نماید که این تکالیف در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام، عقل جمعی و عمومی است و دولت به‌مثابه شخصیتی حقوقی، نماینده مشروع و مقبول آن اجتماع است که نقشی محوری در ترسیم آن تکالیف دارد؛ بنابراین، «تکلیف شهروندی» به تکالیفی اطلاق می‌شود که ناشی از قانون اساسی هر کشور بوده و بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی بر آن‌ها تحمیل شده و واجد ضمانت اجرای قانونی قرار گرفته است. منشأ «تکالیف طبیعی» و «تکالیف شهروندی» بر اساس مبانی ادیان و مکاتب مختلف، متفاوت است؛ بدین معنا که ادیان الهی منشأ و مبانی تکالیف را امری واحد دانسته‌اند، اما مکاتب غیردینی هر یک به مقتضای خویش نظر خاصی را مطرح ساخته است، برخی از مکاتب بشری، نیاز و حاجت انسان را منشأ «حق» و «تکلیف» و بعضی دیگر «اراده» و «قدرت» و گروهی دیگر نیز «قانون» را منبع حق و تکلیف دانسته‌اند» (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۳-۱۲). همان‌طور که می‌دانیم، «اعتبار یک قاعده حقوقی به دو طرف بستگی دارد تا در میان آن دو، رابطه‌ای در نظر گرفته شود که در آن برای یک طرف، امتیاز و برای طرف دیگر تکلیف و الزامی قرار داده شود. به دیگر سخن، وقتی حقوق و تکالیف به مفهوم حقوقی آن، ثابت می‌شود که در برابر آن، حقی برای فرد یا جامعه منظور شده باشد؛ بنابراین، حق و تکلیف در نظام اجتماعی همراه و هم دوش هم هستند. نتیجه این‌که شخص در صورت پذیرش حقوق شهروندی، ناگزیر تکالیف آن را نیز باید پذیرا باشد. در اینجا شاهد نوعی رابطه لزوم و الزام مستقیم و غیرقابل نقض فی‌مابین حق و تکلیف برای شهروندان هستیم. در نتیجه، شهروندی مفهومی نیست که صرفاً معرف حقوق شهروندی بوده و فرد را از تعرض حاکمیت محافظت می‌کند، بلکه وظایف شهروندی نیز گویای وفاداری فرد به حکومتی است که با استقرار و گسترش مناسبات شهروندی به فرد امکان می‌دهد تا به‌عنوان شخصی آزاد و مستقل و خودمختار در یکپارچگی با جامعه قرار گیرد» (جهانیان، ۱۳۹۳، ۶۹). بنابراین برخلاف حقوق بشر، مجموعه امتیازاتی که در قالب حقوق شهروندی به اشخاص و افراد انسانی جامعه اعطا می‌شود، در قبال

تکالیفی است که آن‌ها به صورت داوطلبانه یا به صورت قهری به عهده گرفته و در عمل نیز این تکالیف را اجرا می‌کنند.

شایان ذکر است، تنها سند بین‌المللی حقوق بشری که در آن از تکالیف افراد سخن به میان آمده «منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان» است. به موجب ماده ۲۸ این منشور «هر فردی مکلف است به هم‌نوعان خود بدون تبعیض احترام بگذارد و با آن‌ها رفتار نماید و روابط خود را با هدف ارتقا، حفظ و تقویت احترام متقابل و مدارا با دیگران حفظ نماید». در ماده ۲۹ تکالیف مهمی را برای افراد به شرح زیر بیان می‌کند:

۱- حفظ، توسعه همه‌جانبه خانواده و تلاش در جهت انسجام آن؛ رعایت تکالیف خود به‌عنوان پدر یا مادر در همه زمان‌ها؛ پرداخت نفقه به نیازمندان؛

۲- کمک به جامعه ملی خود از طریق توانایی‌های جسمی و فکری؛

۳- لطمه نزدن به امنیت کشور متبوع یا محل اقامت خود؛

۴- حفظ و تقویت همبستگی ملی و اجتماعی؛

۵- حفظ و تقویت استقلال ملی و تمامیت سرزمینی کشور خود و کمک به دفاع از کشور خود بر طبق قانون؛

۶- انجام بهترین فعالیت‌ها و پرداخت مالیاتی که قانون تحمیل کرده به‌منظور تأمین مصالح و منافع جامعه؛

۷- تلاش در جهت ارتقا و دستیابی به وحدت در همه زمان‌ها و در همه سطوح (باقری، ۱۳۸۹، ۶۷).

به نظر نگارندگان، علی‌رغم اینکه شهروندی، مجموعه‌ای گسترده از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است، حتی برآیند و نتیجه انجام تکالیف فردی نیز به پیشرفت وضعیت اجتماعی (نظم و انتظام اجتماعی) کمک خواهد کرد. اقداماتی نظیر مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و

دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد بود، مصادیقی از این بحث خواهند بود.

انتظام اجتماعی

مفاهیم نظم، امنیت و احساس امنیت دارای ارتباط نزدیک هستند. این مفاهیم لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ کدام بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. تصور کردن جامعه‌ای دارای نظم، بدون وجود امنیت و احساس امنیت بی‌معناست. از طرف دیگر، جامعه‌ای که امنیت و احساس امنیت آن دارای میزان بالایی باشد، قطعاً جامعه‌ای است که نظم اجتماعی در آن نهادینه شده است. جامعه‌ای دارای نظم و امنیت بالا را می‌توان دارای وضعیتی دانست که در آن نسبت معقولی بین خواسته‌های شهروندان از یک‌سو و کارآمدی نظام سیاسی از سوی دیگر وجود دارد. در این تلقی از امنیت و نظم، شکاف بین خواسته‌ها و داشته‌ها بسیار مهم و معنادار است (بیات، ۱۳۸۶، ۳۶).

زمانی که امنیت بر جامعه حاکم باشد و به تبع آن، افراد احساس امنیت داشته باشند، پیامدها و نتایجی پیش خواهد آمد که منجر به تأمین نظم و ثبات اجتماعی می‌شود. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از:

- تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی؛
- تقویت و روح جمع‌گرایی و عام‌گرایی در جامعه؛
- افزایش سطح ارتباطات مردم با هم و به‌ویژه با ساختارهای رسمی؛
- تقویت سطح مشارکت و حضور مؤثر اجتماعی؛
- تقویت اجتماعی و وفاق، همبستگی ملی و نظم و ثبات سیاسی و اجتماعی؛
- رشد عقلانیت و کنش‌های عقلانی معطوف به عقل و قانون.

عکس این حالت، زمانی است که در جامعه ناامنی حاکم باشد و به تبع آن، مردم احساس ناامنی کنند که پیامدهایی نظیر موارد زیر را در پی دارد:

- غلبه نظم سیاسی بر نظم اجتماعی و کاهش امنیت هستی‌شناختی؛
- رشد نگرانی‌ها و فشار روانی و ازدست‌رفتن حس آرامش و اطمینان درونی؛
- ارتقای سطح چالش‌ها و اصطکاک‌های ساختار رسمی با عرصه عمومی و دور باطل فروپاشی اعتماد (همان، ۴۲).

نسبت تکالیف شهروندی با انتظام اجتماعی

برخورداری از امنیت، آسایش و نظم عمومی به‌منظور داشتن زندگی آرام، انجام فعالیت‌های اقتصادی، شغلی، اجتماعی و ... جزو ابتدایی‌ترین نیازهای شهروندان می‌باشد. اهمیت این موضوع تا حدی است که شاید بتوان گفت بدون وجود این مؤلفه‌ها، سایر حقوق و امتیازات شهروندان موضوعیت نداشته و قابل طرح نمی‌باشند. این حقوق تنها در حالتی می‌تواند حفظ شود که از سوی آحاد جامعه و نیز نهادهای رسمی و غیررسمی حاکم بر آن به رسمیت شناخته شده و برای آن پشتوانه حقوقی فراهم آید. در این چهارچوب، اطاعت تا زمانی ادامه می‌یابد که نظم اجتماعی معطوف به منافع همه شهروندان بوده و نهادهای مسئول، از قدرت لازم برای حفاظت از شهروندان و حقوق آن‌ها برخوردار باشند، زیرا افراد به‌طور طبیعی از حق حفاظت از خویش برخوردارند و وقتی در اجتماع، هیچ کس دیگری نتواند از آن‌ها حفاظت کند، به این معناست که باید برای تأمین و تضمین حق طبیعی فوق، از ابزارهای مقتضی و مناسب دیگری بهره‌برداری شود (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۲، ۱۸۶-۱۸۷).

در این گستره، غایت حقوق و آزادی‌های اساسی از سوی شهروندان، مستلزم پذیرش تعهد و مسئولیت‌هایی است که هر شهروند در قبال سایرین و به‌ویژه اجتماع به‌طور کلی، بر عهده می‌گیرد؛ لاقبل به لحاظ مصالح و منافع مشترکی که اعضای جامعه با هم دارند، این امر موجب شکل‌گیری گفتمان خاصی در روابط اجتماعی شده که بدون حمایت از حقوق شناخته‌شده آحاد اجتماع و قابلیت اجرا و تحقق به آن‌ها دادن، نمی‌توان از یک روند تکاملی در حیات اجتماعی سخن گفت (ویژه، ۱۳۸۳، ۲۲۷). بنابراین، اگر انسان در قبال

جامعه خود و برای داشتن یک جامعه سالم و حیات شرافتمندانه اجتماعی، مسئولیت‌ها و تعهدات آشکار و پنهان فردی دارد؛ در قبال حفظشان انسانی، برابری و عدالت در سطح عمومی، به‌ویژه در خصوص اقشار آسیب‌پذیر، مسئولیت جمعی نیز دارد.

شهروندی در کلیت خود متضمن دخالت مسئولانه در روندهای اجتماعی است و از این منظر تعهدات پذیرفته‌شده در یک بستر اجتماعی خاص اعمال می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، شهروندی به‌مثابه موقعیت عضویت در اجتماع، استلزامات خاص خود را نیز در پی دارد که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است. احساس وافر شهروندی هنگامی حاصل می‌شود که موانع زمینه‌ای فراروی اعمال آن شناسایی و رفع شوند؛ حتی اگر با نگرش خاص ابزارانگاری موردنظر ماکیاولی^۱ به شهروندی بنگریم، و شهروندی را شیوه‌ای برای بیان منافع شهروندان تلقی کنیم، باز موانع تحقق شهروندی را باید شناسایی نماییم؛ اما به تجربه هم ثابت شده که اعمال پیامدها و استلزامات از مفهوم شهروندی دارای اهمیتی بسیار عمیق‌تر و عنصر محوری انسان اجتماعی است (همان منبع).

بنابراین شهروندی نه صرفاً مبتنی بر حقوق بلکه معطوف به تعهدات است؛ زیرا افراد ارتباط نزدیکی میان سرنوشت خود و جامعه احساس می‌کنند، لذا ایده ادعای صرف حقوق فردی در مقابل جامعه، غیرقابل درک می‌نماید. دغدغه اصلی موضوعات نظم و امنیت ناظر بر جامعه‌ای است که بر بنیان‌های خاص شکل گرفته و نه صرفاً منافع شخصی افراد در اجتماع. به لحاظ منطقی و تجربی نیز بدیهی است که به همان میزانی که فردگرایی افراطی، جوهر شهروندی را تضعیف و حتی نابود می‌کند، جمع‌گرایی یا دولت‌محوری افراطی نیز باعث تحلیل شهروندی و بالطبع پیوندهای اجتماعی می‌شود (شریفی طراز‌کوهی، ۱۳۹۲، ۴۵).

1. Niccolo Machiavelli

بنابراین در اعمال و تحقق حقوق فردی آحاد شهروندان باید چهارچوبی وجود داشته باشد تا تقابل حقوق و امتیازات به تعارض و درگیری منتهی نگردد. در این ارتباط، در یک فرایند تاریخی و البته پرفراز و نشیب، افراد بشر به این ضرورت منطقی و عینی رسیده و به الزامات آن رضایت داده‌اند؛ بلکه برخی از آزادی‌های آن‌ها در ازای تأمین امنیت و حوائج آن‌ها در اجتماع تعدیل شود. برخی از منافع حیات جمعی، الزاماتی را بر افراد به همراه دارد به این نحو که نفع شخصی او محدود و تعدیل می‌شود؛ به این ترتیب، ایده برخورداری فرد از موجودیت صرف فردی خارج از جامعه قابل تصور نیست. نیازهای جامعه و منافع شهروندان، جدایی‌ناپذیر تلقی می‌شوند؛ لذا الزامات خاص این واقعیت عینی بر جامعه و آحاد آن تحمیل می‌شود (ابادری، ۱۳۷۷، ۱۰۵).

تعهدات اجتماعی نسبت به سایر شهروندان و حیات جمعی مشترک، معطوف به نیازهای اساسی همهٔ شهروندان است؛ به مثابه بستری جهت تحقق سایر نقش‌آفرینی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ...؛ لذا حقوق در مفهوم عام و پویای ذوابعاد باید به طریقی نهادینه شود که از قبل آن نیازها و مطالبات فزاینده شهروندان سامان پذیرفته و تأمین گردد؛ نیازهای مادی و معنوی؛ نوعی امنیت خاطر که نه تنها هیچ فردی صرف‌نظر از شرایط شغلی‌اش در فقر زندگی نکند، بلکه فراتر از تأمین و تضمین حقوق اجتماعی کسی شاهد فقر و ذلت و نیازهای تأمین‌نشده و دلریش‌کنندهٔ دیگران نباشد. به تعبیری، حقوق اجتماعی در این مفهوم به شهروندی محتوایی واقعی می‌بخشد؛ زیرا در این نگرش حقوق شهروندی بر مبنای منافع عمومی جامعه استوار می‌شود (فالکس^۱، ۱۳۸۱، ۱۵۲).

نظریات مرتبط با نظم و انتظام اجتماعی

نظریه امیل دورکیم^۱

از نظر دورکیم، مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. وی معتقد است در جوامع سازمان‌یافته‌ای که مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی باشند، نظم اجتماعی نیز حاکم خواهد بود، به همین جهت در جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی هستند و اخلاقیات مشترک وجود دارد، نظم اجتماعی نیز به‌شدت حاکم است و با هرگونه تخلفی به‌تندی برخورد می‌شود؛ اما با پیچیده‌تر شدن جوامع، وجدان جمعی کاهش می‌یابد، نظام مشترک اخلاقی از بین می‌رود و در نتیجه، هرج‌ومرج و نابسامانی حاکم می‌شود. دورکیم بسیاری از مشکلات زمان خود را ناشی از کاهش قدرت این نظام مشترک اخلاقی می‌داند و معتقد است در جامعه‌ای که فرهنگ مشترک و قوی در مورد اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی استحکام و نظم اجتماعی، عینیت بیشتری خواهد یافت و این مهم‌ترین عاملی می‌شود در جهت اینکه نظام اخلاقی و نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم یک جامعه هدیه کند تا در پرتوی آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم، نابهنجاری و خودکشی کاهش یابد و هرج‌ومرج رخت بریندد و به‌تبع آن، امنیت و ثبات اجتماعی برقرار شود (صدیقی اورعی، ۱۳۷۶، ۱۴۹). به‌این ترتیب، به عقیده دورکیم، این جامعه است که نظم را اعمال می‌کند و فرد از طریق زندگی در جامعه می‌آموزد که باید به معیارهایی تن دهد که شرایط معین حیات اجتماعی برای انسان‌ها ترتیب داده است.

نظریه تالکوت پارسونز^۲

پارسونز از جامعه‌شناسان معروف، امنیت را از رویکردی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده است. وی مسئله‌های^۳ درباره امنیت را بنیان کار تئوری‌سازی جامعه‌شناسی خود قرار داد؛ اما در حقیقت، مسئله اساسی نظریه

1. Émile Durkheim

2. Talcott Parsons

3. Hobbesian problem

تحلیلی کنش پارسونز، مسئله «نظم اجتماعی» است (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۴). که گویای مفهوم امنیت نیز می‌باشد. پارسونز جامعه را به خرده سیستم‌هایی تقسیم نموده که هرکدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و برعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی (و در نتیجه امنیت) جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال، آن را تهدید می‌نماید (نویدنیا، ۱۳۸۲، ۳۹ - ۳۸).

در نظریهٔ پارسونز، نهادهای قانونی و حقوقی از تحقق کارکردها در جامعه خبر می‌دهند و یگانگی موردنظر پارسونز را فراهم می‌کنند؛ بنابراین، جامعه با تثبیت نهادهای حقوقی و قانونی، نظم، امنیت و دوام خود را موجب خواهد شد (بشیریه، ۱۳۸۰، ۸۹). روشن است که حفظ نظم و امنیت در نظریهٔ پارسونز تنها به ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز دربرمی‌گیرد. مفهوم سوگیری یا گرایش اشاره به همین موضوع دارد. به عقیدهٔ پارسونز، متغیرهای الگویی، دو شیوهٔ متفاوت گرایش‌های ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند (ازکیا، ۱۳۷۷، ۹۵). بدین معنی در موقعیت‌هایی که تهدید و ناامنی متوجه اجتماع می‌شود، از فرد انتظار می‌رود گرایش‌هایی در جهت تأمین امنیت اجتماع و محیط، از خود نشان دهد. این امر به‌عنوان ابزار کنترل درونی در اجتماع عمل کرده و تنها به‌واسطهٔ اجتماعی‌شدن صحیح، صورت‌پذیر خواهد بود. بدین‌سان، حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظریهٔ پارسونز، مبتنی بر دو عنصر ۱. اجتماعی‌کردن و ابزار درونی کنترل؛ و ۲. نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی کنترل است (ریتزر^۱، ۲۰۰۱، ۱۳۷).

وی معتقد بود که نظم اجتماعی تنها از طریق دولت برقرار نمی‌شود. پس مفهوم هنجار را وارد کنش اجتماعی خویش می‌کند و معتقد است که هنجارهای اجتماعی به‌عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و کارکرد نظام اجتماعی نیز ایجاد و حفظ یکپارچگی کل نظام است که در این فرایند، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی‌کردن از اهمیت اساسی برخوردارند.

1. Ritzer

به این ترتیب، پارسونز بیش از آنکه به شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام توجه کند، به کنشگران درون نظام علاقه‌مند است که در این فرایند اجتماعی شدن موفق، در واقع این هنجارها و ارزش‌ها، ملکه ذهن افراد می‌شوند و به عنوان بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آن‌ها درمی‌آیند و به این ترتیب، کنشگران ضمن دنبال کردن منافعشان در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، پارسونز معتقد است که با درونی کردن هنجارهای جامعه در افراد با حداقل هزینه می‌توان نظم و امنیت را برقرار کرد. پس یکپارچگی اجتماعی در نظریات پارسونز یا از طریق نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی و یا از طریق اجتماعی کردن و درونی کردن ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

نظریه چلبی

چلبی بر اساس نظریه کنش اجتماعی پارسونز، چهار بُعد برای نظم اجتماعی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. از سویی دیگر به باور وی، بر مبنای نیازهای انسانی، چهار نوع وابستگی اصلی و عام وجود دارد. چلبی این چهار دلبستگی و غلقه و نیاز عمده را در چهار دسته بیان می‌دارد: غلقه‌های شناختی، مادی، ارتباطی و امنیتی. در این بُعد، انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب، جهت حفظ آرامش و صیانت خود در این ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی درصدد تحقق اهداف خود است. بر این اساس، وی بر مبنای الگوی آجیل پارسونز، برای غلقه امنیتی به عنوان یکی از شاخص‌های خرده نظام سیاست چهار رکن را در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری و امنیت جمعی (چلبی، ۱۳۷۵، ۷۶).

چلبی، ناامنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض کرده که خود ریشه در سیاسی شدن نظم اجتماعی دارد. به نظر او، در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر سابقه سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی - فرهنگی آن ضعیف شوند؛ یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری‌های عاطفی و خاص گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت میزان اعتماد

اجتماعی متقابل تعمیم یافته، تضعیف شده و عُلقه امنیتی آن‌ها برجسته می‌شود. در چنین نظامی، افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند. در چنین وضعیتی در غیاب طراوت فرهنگی و اجتماعی، انسان‌ها جهت پاسخگویی به نیازهای خود، اجباراً به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه برقرار می‌نمایند. رابطه‌ای که به بیان هگلی ارباب و نوکری است و ملاک حق نیز، زور است (ذاکری همامانه و دیگران، ۱۳۹۱، ۹۱).

نظریهٔ هیرشی^۱

هیرشی از نظریه‌پردازان مکتب کنترل اجتماعی معتقد است برای اینکه بتوان نظم اجتماعی را برقرار نگاه داشت باید برخی رفتارهای اجتماعی الگوشده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. بر طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه باشد. هرگاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد ما او را شخص منحرف می‌شناسیم. اگر این‌گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم‌گسیختگی روبه‌رو می‌شود. با کاربرد ابزارهای کنترل و نظارت اجتماعی، جامعه می‌تواند بزهکاران را زندانی کند. گذشته از این نظارت رسمی، نظارت‌های غیررسمی دیگری چون طرد گروه نیز می‌تواند به‌عنوان روش‌های مؤثر نظارت اجتماعی به کار آیند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۹۰). به این ترتیب، نظریه‌پردازان مکتب کنترل اجتماعی به اهمیت نقش دولت در برقراری نظم و امنیت در جامعه اشاره دارند؛ به طوری که والتر رکلس^۲ از صاحب‌نظران این مکتب معتقد است: عدم توانایی و کارکرد سیستم کنترل اجتماعی می‌تواند سبب بروز رفتارهای انحرافی در فرد شود؛ در واقع، زمانی که کنترل اجتماعی در هم می‌شکند، مردم برای انجام رفتارهای انحرافی آزادی بیشتری به دست می‌آورند (شیرازیان، ۱۳۸۳، ۷۱).

1. Travis Hirschi
2. Walter Reckles

نظریهٔ اریکسون^۱

اریکسون به‌عنوان یکی از بانفوذترین روانکاوان، شخصیت آدمی را تحت‌تأثیر عوامل زیستی و عوامل اجتماعی می‌داند و بر این اساس، رشد شخصیت را به هشت مرحلهٔ روانی - اجتماعی تقسیم می‌کند. اریکسون پیشنهاد کرد که رشد انسان، شامل یک رشته تعارض است. توان حل این تعارض‌ها، به‌صورت زمینه‌های فطری از هنگام تولد در ما وجود دارد و هریک در مراحل رشد، یعنی آنگاه که محیط درخواست‌های به‌خصوصی از ما می‌کند، بارز می‌شود. در این راستا، هر رویارویی و مواجهه انسان با محیط، بحران نامیده می‌شود. این بحران در طول زمان تغییر می‌کند و ما را ملزم می‌دارد تا مطابق با درخواست‌های جدید هر مرحله از زندگی، انرژی غریزی خود را تنظیم مجدد کنیم؛ بنابراین، در هریک از مراحل رشد، بحران یا نقطهٔ تحولی وجود دارد که انسان در پاسخگویی به هریک از این بحران‌ها، در دو شیوه مخیر است: شیوهٔ سازگارانه یا مثبت و شیوهٔ ناسازگارانه یا منفی (شولتز^۲ و همکاران، ۲۰۱۷، ۴۳). به اعتقاد اریکسون، در هر یک از مراحل رشد، فرصتی برای پرورش توانایی‌های اصلی فراهم می‌شود. این توانایی‌ها یا مزیت‌ها، زمانی حاصل خواهند شد که بحران در هر مرحله از رشد به‌طور مناسب حل شده باشد که این امر در واقع مرتبط با نحوهٔ حل تعارض موجود در هر مرحله است. توانایی‌های اصلی لازم و ملزوم یکدیگرند؛ یعنی تا زمانی که توانایی در هر مرحله محرز نشده باشد، امکان پرورش توانایی جدید در مرحلهٔ بعد وجود نخواهد داشت.

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوهٔ اجرا، آمیخته اکتشافی (کیفی و کمی) است. جامعهٔ پژوهش در بخش کیفی، استادان رشتهٔ حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین در سال ۱۴۰۱ بودند که ۱۵ نفر طبق اصل اشباع نظری با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه، دو ملاک به شرح

1. Erikson
2. Schulz

ذیل اتخاذ شد که داشتن یکی از این دو شرط الزامی بود: تخصص علمی و تجربهٔ عملی. جامعهٔ بخش کمّی، معلمان مقاطع چهارگانه منطقهٔ ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که ۲۶۷ نفر بر اساس فرمول کوکران و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برحسب جنسیت (زن و مرد) و مدرک تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) انتخاب شد. در بخش کیفی، داده‌های به‌دست‌آمده، با استفاده از روش تحلیل مضمون به شیوهٔ دستی کدگذاری و مؤلفه‌های آموزش تکالیف شهروندی شناسایی شد. در بخش کمّی، داده‌ها با استفاده از تحلیل عامل تأییدی در نرم‌افزارهای SPSS و LISREL تحلیل گردید. در بخش کمّی از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته مبتنی بر مؤلفه‌های استخراجی از بخش کیفی استفاده شده است.

اعتبار و روایی داده‌های پژوهش: چنان‌که لینکن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) پیشنهاد می‌کنند از سه شاخص، «انتقال‌پذیری»، «ممیزی قابلیت اطمینان» و «تأییدپذیری» استفاده شد. از نظر کرسول^۲ (۲۰۰۵) پژوهشگران کیفی باید حداقل دو اقدام برای افزایش اعتبار پژوهش خود انجام دهند؛ به این منظور اقدامات زیر انجام شد:

۱. برای بررسی روایی داده‌ها ورودی، از شاخص «انتقال‌پذیری» به‌صورت نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (قضاوتی) استفاده شد و بر این اساس، در پژوهش حاضر، مصاحبه‌شوندگان با مراجعه به خبرگان و به‌صورت هدفمند و بر اساس توصیه متخصصان انتخاب شدند. همچنین بر اساس نظر اشتراوس و کوربین^۳ (۱۹۹۸) از نمونه‌گیری نظری استفاده شد؛ به این صورت که مصاحبه‌شوندگان بعدی، پس از هر مصاحبه، با در نظر گرفتن نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه قبلی، انتخاب شدند.

۲. برای بررسی روایی تحلیل‌های پژوهش، بر اساس نظر مکسول^۴ (۲۰۰۴) مبنی بر بررسی «روایی توصیفی» از طریق بازخورد یافته‌ها به

1. Lincoln and Goba
2. Creswell
3. Strauss and Corbin Rasul
4. maxwell

مصاحبه‌شونده و «روایی تفسیری» از طریق استفاده از توصیف‌گرهای با حداقل مداخله استفاده شد؛ به این صورت که بازخورد مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شونده ارائه و نظرات اصلاحی آن‌ها اعمال شد و از نقل‌قول مصاحبه‌شوندگان در تفسیرها استفاده شد.

۳. برای بررسی روایی پژوهش بر اساس شاخص «قابلیت اطمینان»، داده‌های به‌دست‌آمده، با هدف بازبینی و موشکافی پژوهش توسط دیگر پژوهشگران، در اختیار آن‌ها قرار گرفت. برای بررسی روایی پژوهش بر اساس شاخص «تأییدپذیری»، در تفسیر و تحلیل یافته‌ها، گزیده مصاحبه‌ها و نیز توضیح روند تحلیل داده‌ها تا دستیابی به نتایج پژوهش، ارائه شد. همچنین برای بررسی پایایی پژوهش، از شاخص توافق درون موضوعی در کدگذاری دو مصاحبه نمونه استفاده شد و شاخص یادشده برابر ۷۸ درصد به‌دست آمد که براساس معیار ۷۰ درصد، مقدار به‌دست‌آمده، نشان‌دهنده تأیید پایایی یافته‌های بخش کیفی پژوهش است.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کننده‌های بخش کیفی (جنسیت، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی) و کمی (جنسیت و مدرک تحصیلی) در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

نوع نمونه	ویژگی	طبقه	فراوانی
جنسیت		زن	۶
		مرد	۹
بخش کیفی	مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد	۳
		دانشجوی دکتری	۶
	مرتبه علمی	دکتری	۶
		استادیار	۲
		دانشیار	۳
	استاد	۵	

نوع نمونه	ویژگی	طبقه	فراوانی
		سایر	۵
	جنسیت	زن	۱۱۵
		مرد	۱۵۲
بخش کمی	مدرک تحصیلی	کارشناسی	۱۰۱
		کارشناسی ارشد	۱۵۳
		دکتری	۲۳

جدول شماره (۲) نتایج حاصل از مؤلفه‌های آموزش تکالیف شهروندی که بر اساس مصاحبه و اسناد و برحسب مضمون‌های پایه و سازمان‌دهنده اصلی و فرعی طبقه‌بندی شده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول (۲) مضمون‌های مرتبط با آموزش تکالیف شهروندی در نظام آموزش و پرورش کشور

مضمون سازمان‌دهنده اصلی	مضمین سازمان‌دهنده فرعی	مضمین پایه
تکالیف مالی و اقتصادی	احترام و توجه جدی به اموال و مالکیت دیگران	پرداخت به‌موقع حقوق و مزایای قانونی زیردستان (در صورت وجود)، انتخاب شغل و کسب درآمد حلال و قانونی، پرداخت مالیات و سایر بدهی‌ها به دولت، منع تصدی بیش از یک شغل دولتی، رعایت حقوق مالی دیگران، احترام به مالکیت سایر شهروندان و سایر تکالیف مالی.
تکالیف بهداشتی	حفظ سلامت فردی و عمومی	احساس مسئولیت در زمینه مسائل زیست‌محیطی و حفظ محیط‌زیست تلاش برای جلوگیری از سرایت بیماری‌ها به دیگران، امدادسانی به مصدومان حوادث، همزیستی مسالمت‌آمیز، خودداری از ایراد جنایت جسمانی به دیگران، کمک به مصدومین و اشخاص در معرض خطر جانی
تکالیف اخلاقی	حفظ حرمت، حیثیت و کرامت	احترام به عقاید و نظرات دیگران، انجام خدمت وظیفه عمومی، رعایت حیثیت و کرامت انسانی، تکلیف بر کار و تلاش، پای بندی به نظم، امنیت و آسایش عمومی، احساس مسئولیت در قبال سایر شهروندان، رعایت نظم و انضباط اجتماعی، احترام به اقلیت‌های دینی و مذهبی، احترام به قومیت‌های مختلف کشور، عدم تبعیض، خودداری از افشای اسرار شهروندان، خودداری از ادای سوگند و شهادت دروغ، امر به معروف و نهی از منکر، تکالیف نسبت به والدین، همسر و فرزندان
تکالیف فرهنگی و اجتماعی	سبک زندگی	استفاده از زبان فارسی در مکاتبات رسمی، هنجارپذیری رسمی و غیررسمی، رعایت و احترام به هویت دینی، فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی در جامعه اسلام، تلاش برای اعتلای فرهنگ، پرهیز از سرقه ادبی، رعایت حق نشر آثار ادبی و علمی، حفاظت از آثار باستانی، حفاظت از فرهنگ اقلیت‌ها،

مضمون سازمان دهنده اصلی	مضامین سازمان دهنده فرعی	مضامین پایه
تکالیف قانونی	قانون گرایی	حمایت از تشکیل خانواده، کمک به تعلیم و تربیت شایسته نسل های بعدی، اجرا و توصیه به اجرای امر به معروف و نهی از منکر، احترام به حقوق اجتماعی دیگران، احساس مسئولیت مشترک نسبت به هموعان، سلوک و سازگاری اجتماعی، تعامل و معاشرت اجتماعی، فرهنگ آپارتمان نشینی و عدم مزاحمت برای دیگران، منع تجاوز به منافع عمومی و اضرار به حقوق دیگران
تکالیف سیاسی	همکاری با حاکمیت	تلاش برای اطلاع از قوانین کشور و توسعه دانش، پایبندی به قانون و خودداری از قانون گریزی و قانون شکنی، تلاش برای توسعه بصیرت سیاسی و حس میهن پرستی، رعایت تکالیف مندرج در قوانین، رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی
		پذیرش حکومت اسلامی، شرکت در انتخابات، احترام به حاکمیت و پذیرش، مشارکت و مسئولان و مدیران، مشارکت در توسعه نظم و امنیت اجتماعی، خودداری از تمدد نسبت به مأمورین دولت و لزوم همکاری با آنان، احترام به حقوق شهروندان و تعامل با آنها، حفظ استقلال، آزادی، وحدت و تمامیت ارضی کشور

(ب) یافته های تحلیلی

برای بررسی دیدگاه پاسخگویان در خصوص تأثیر اجرای آموزش تکالیف شهروندی در مدارس، در توسعه انتظام اجتماعی برای شناخت این رابطه، تعداد ۵ گویه در نظر گرفته شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

جدول (۳) دیدگاه پاسخگویان

میانگین از ۵	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	کل	میانگین از ۵	گویه
۳/۹۶	۱	۲۸	۵۷	۱۲۹	۵۲	۲۶۷	۳/۹۶	آشنایی دانش آموزان با تکالیف فرهنگی و اجتماعی، موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد
۳/۹۵	۲	۳۲	۶۷	۱۴۳	۶۰	۲۶۷	۳/۹۵	آشنایی دانش آموزان با تکالیف اخلاقی موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد
۳/۹۳	۱	۳۰	۵۴	۱۲۸	۹۱	۲۶۷	۳/۹۳	آشنایی دانش آموزان با تکالیف قانونی موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد
۳/۹۱	۳	۳۲	۵۷	۱۲۱	۹۱	۲۶۷	۳/۹۱	آشنایی دانش آموزان با تکالیف بهداشتی موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد

میانگین از ۵	خیلی کم	خیلی زیاد	تا حدودی	خیلی کم	خیلی کم	گویه	
۳/۸۹	۲۶۷	۸۴	۱۳۷	۵۳	۲۸	۲	آشنایی دانش آموزان با تکالیف سیاسی موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد
	۱۰۰	۰/۲۷	۰/۵۰	۰/۱۷	۰/۹	۰/۴	
۳/۶۹	۲۶۷	۸۳	۱۳۵	۵۱	۲۹	۱	آشنایی دانش آموزان با تکالیف مالی و اقتصادی موجب توسعه انتظام اجتماعی خواهد شد
	۱۰۰	۰/۲۷	۰/۴۹	۰/۱۶	۰/۹	۰/۳	

جهت رسیدن به یافته‌های استنباطی؛ و رتبه‌بندی و نیل به این مهم که هر کدام از مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده به چه میزان در «توسعه نظم و امنیت» تأثیرگذار بوده‌اند، از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج این آزمون در ذیل بیان می‌گردد.

جدول (۴) رتبه‌بندی میزان تأثیر گویه‌ها در توسعه نظم و امنیت

میانگین رتبه‌ای	گویه
۳/۰۹	تکالیف فرهنگی و اجتماعی
۳/۰۸	تکالیف اخلاقی
۳/۰۶	تکالیف قانونی
۳/۰۵	تکالیف بهداشتی
۲/۷۶	تکالیف سیاسی
۲/۵۲	تکالیف مالی و اقتصادی

داده‌های موجود در جدول بالا نشان می‌دهد «تکالیف فرهنگی و اجتماعی» با میانگین (۳/۰۹) در رتبه اول؛ «تکالیف اخلاقی» با میانگین (۳/۰۷) در رتبه دوم؛ «تکالیف قانونی» با میانگین (۳/۰۶) در رتبه سوم؛ «تکالیف بهداشتی» با میانگین (۳/۰۳) در رتبه چهارم؛ «تکالیف سیاسی» با میانگین (۲/۷۶) در رتبه پنجم و «تکالیف مالی و اقتصادی» با میانگین (۲/۵۲) در رتبه ششم، قرار داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

مزایای زندگی جمعی و حقوق ناشی از آن، آن‌قدر حائز اهمیت است که شهروندان، برای برخورداری و تحقق آن‌ها، باید از آزادی‌هایی که در حالت عادی یا طبیعی دارند، صرف‌نظر کرده و محدودیت‌ها، تکالیف و وظایفی را

عهده‌دار شوند تا از حقوق اجتماعی و جمعی خود صیانت و نسبت به عملکرد احتمالی خلاف روند کلی اجتماع سایر شهروندان، حساس باشند. به تعبیری «حقوق نوعی شهروندان» در اجتماع به «وظایف» شهروندان و دولتمردان تبدیل می‌شود که رهاورد آن، حق امنیت عمومی است که به جامعه تزریق شود. از سوی دیگر، امروزه تولید و توزیع امنیت و احساس امنیت در بستر نیازهای جامعه وظیفه نهادهایی همچون دین، فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، قوانین، خانواده، آموزش و پرورش، سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد، مساجد و... است.

در نگاه غیرفردی به شهروندی که معطوف به حیات جمعی است، اصولاً، حقوق، به‌عنوان دعاوی مطلق و بی‌قیدوشرط پذیرفته نمی‌شود، بلکه فراتر از آن باید با آن کسانی که وظائف ذاتی شهروندی، حتی نسبت به حقوق فردی خود را عهده‌دار نمی‌شوند و سربار جامعه‌اند، مخلّ جریان عادی امورند و یا بر هم زننده امور عمومی هستند، برخورد قاهرانه‌ای صورت گیرد و در جهت حفظ ثبات و پایداری جامعه و نظم عمومی حاکم بر آن، برخی حقوق آن‌ها سلب شود؛ زیرا فقدان احساس تعهد به جامعه، صرفاً قصوری از سوی فرد نسبت به دیگران و یا نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نیست (توسلی، ۱۳۸۲، ۶۴).

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی الگوی آموزش تکالیف شهروندی در مدارس و تأثیر این آموزش‌ها بر توسعه نظم و انتظام اجتماعی کشور بود. یکی از یافته‌های پژوهش، لزوم آموزش دانش‌آموزان، در خصوص اهمیت «تکالیف قانونی» است. توضیح اینکه، طبق ماده (۵) قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، کلیه سکنة ایرانی اعم از اتباع داخله و خارجه، مطیع قوانین این کشور خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد؛ بنابراین، «حق استفاده مساوی از حمایت قوانین، محال است به مورد اجرا درآید، مگر آنکه یک یک افراد از قوانین، فرمان‌برداری و اطاعت کنند. افراد جامعه که از حمایت قانون متنعم‌اند و انتظار دارند دولت آن‌ها را در برابر متعديان و متجاوزان اعم از داخلی و خارجی حفظ و حراست کند، تکالیفی به لحاظ حمایت پلیس، ارتش و

احیاناً خدمت در سازمان‌های مذکور به عهده دارند و موظف به پرداخت مالیات و مساعدت به مأمورین در اجرای قوانین بوده تا از این راه، بهای حقوق و امتیازاتی که از آن‌ها برخوردار شده‌اند تأدیه و به تکلیف عمومی و اجتماعی خود عمل کرده باشند» (موسوی مقدم، ۱۳۹۰، ۳۸-۳۹). بدیهی است نتیجه حاصل از این یافته، بیانگر این است که آگاهی دانش‌آموزان نسبت به تکالیف قانونی خود و توجه و اجرای آن‌ها، باعث ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی و در نتیجه ارتقای وضعیت نظم و انتظام اجتماعی خواهد شد.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر، «تکالیف مالی و اقتصادی» است. اصل چهل‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هر کس مالک کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود، امکان کسب‌وکار دیگری را از دیگران سلب کند». همچنین در اصل چهل‌مهم همین قانون مقرر شده: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». علاوه بر این اصل مهم قانون اساسی، در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جاری کشور نیز تضمینات مختلفی در راستای پاسداری از حقوق و مالکیت شهروندان ارائه شده است. ممنوعیت جرم سرقت در انواع متخلف و پیش‌بینی مجازات‌های متنوع برای مرتکبین آن، تحریم کلاهبرداری، ممنوعیت خیانت در امانت، ممنوعیت فعالیت‌های مضر اقتصادی، نفی تحصیل مال از طریق نامشروع، تحریم تصرف عدوانی، تجاوز و غصب و... مصادیقی از جرم‌انگاری‌ها و مقرره‌های قانونی است که اشخاص موظف‌اند در راستای احترام به حقوق سایر شهروندان از ارتکاب این رفتارها و اعمال خودداری نمایند؛ بنابراین، ضروری است نوجوانان کشور که قشر عظیم و مهم جامعه هستند نسبت به این‌گونه تکالیف، آگاهی کامل داشته باشند تا از بزه‌کار شدن و یا بزه‌دیده شدن آن‌ها و به‌وجودآمدن هزینه‌های هنگفت اجتماعی، فرهنگی و قضایی برای جامعه، پیشگیری شود که مسلماً نتیجه این پیشگیری، توسعه نظم و انتظام اجتماعی کشور خواهد بود.

همچنین براساس یافته‌های تحقیق، «تکالیف سیاسی» همکاری و مشارکت مردمی، یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم در کسب موفقیت‌های مأموران دولتی در حین اجرای وظیفه می‌باشد؛ بنابراین، مصلحت عامه و عقل سلیم حکم می‌نماید آحاد شهروندان همکاری شایسته و تأثیرگذاری را با مأمورین داشته و تا حد امکان در اجرای مأموریت‌ها آن‌ها را یاری نمایند و حتی اگر توان و امکان مساعدت و همیاری با مأمورین را ندارد، حداقل در مسیر مأموریتی آن‌ها، مانع ایجاد نکنند؛ بنابراین، یکی از تکالیف مهم اشخاص، همکاری با مأمورانی است که وظیفه برقراری نظم و امنیت در جامعه را عهده‌دار هستند؛ لذا بهترین فضا و موقعیت برای آگاهی نسبت به این تکلیف، دوران نوجوانی و مؤثرترین آموزش‌ها نیز می‌تواند در آموزش و پرورش و مدارس اجرا شود.

یکی از یافته‌های تحقیق حاضر، لزوم آموزش دانش‌آموزان، در خصوص «تکالیف فرهنگی، اجتماعی» است. پایبندی به اصول اخلاقی و اجتماعی و احترام گذاشتن به همکاران، همسایگان، دوستان، بستگان، مأمورین و... ضمن ایجاد جامعه‌ای آرام و سرشار از صمیمت، باعث تعمیق پیوند اجتماعی شهروندان با یکدیگر شده، اتحاد و همبستگی میان آنان را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، یکی از تکالیف مهم اشخاص در این حوزه، خودداری از ارتکاب برخی رفتارها و بیان برخی الفاظ است که منجر به هتک حرمت اشخاص و در نتیجه ایجاد تنش بین افراد در جامعه می‌شود. یکی از مصادیق بارزی که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد، توهین می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت یکی از سرفصل‌های این آموزش‌ها می‌تواند ماده ۶۰۸ ق.م.ا باشد که مطابق ماده یادشده: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد باعث محکومیت شصت تا ۲۴۰ میلیون ریال جزای نقدی خواهد شد». یکی دیگر از این مصادیق، خودداری از ایجاد مزاحمت برای اطفال و بانوان است. در این خصوص ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکت مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر، لزوم آموزش دانش‌آموزان در خصوص «تکالیف اخلاقی» است. مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، ادله اثبات دعوا شامل اقرار، شهادت، سوگند و علم قاضی می‌شود. یکی از موقعیت‌های که شاید بسیاری از شهروندان در آن ایفای نقش داشته باشند، قرار گرفتن در جریان یک پرونده کیفری یا حقوقی به عنوان شاکی، متهم، شاهد، گواه یا مطلع است. در اینجا عدالت و اصل احترام به حقوق شهروندان ایجاب می‌کند که اشخاص در بیان وقایع و شرح حوادثی که از آن‌ها مطلع هستند، اصل امانت و صداقت را رعایت نموده و از ادای سوگند و شهادت دروغ خودداری نمایند. در این زمینه، ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) مقرر می‌دارد: «هر کس در دعوی حقوقی یا جزائی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد. همچنین مطابق ماده ۶۵۰ همین قانون، هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به بیست و پنج تا یکصد میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». شایان ذکر است مجازات‌های مذکور در این مواد، علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت و سوگند دروغ ذکر گردیده و جرائم مذکور در این قسمت را اصطلاحاً «جرائم علیه عدالت قضایی» می‌نامند.

یکی از یافته‌های تحقیق حاضر، لزوم آموزش دانش‌آموزان، در خصوص «تکالیف بهداشتی» است. همه شهروندان در قبال محیط‌زیست و بهداشت عمومی جامعه خود مسئول بوده و موظف‌اند الزامات پیش‌بینی شده در این زمینه را رعایت نمایند؛ بنابراین، هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی، دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. تشخیص این‌که اقدام مزبور تهدید

علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت از محیط‌زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

پیشنهادها

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی به گفتمان‌سازی تکالیف شهروندی، بیش‌ازپیش توجه داشته و با ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در راستای تعمیم مفهوم عملیاتی تکالیف شهروندی، به‌خصوص در عرصه‌های فرهنگی کشور، کاربرد آن را در عمل عینیت بخشیده تا کنشگران اجرایی نظیر آموزش‌وپرورش، در مقام ایفای مأموریت‌های تربیتی، اشراف کامل بر مندرج نمودن مباحث مربوط به تکالیف شهروندی در مطالب درسی، دچار ابهام نشوند. در این راستا، لازم است که حدود و ثغور تکالیف شهروندی، به‌صورت مدون و مشخص توسط سیاست‌گذاران تقنینی تدوین و پس از آن برای اجرا به وزارت آموزش‌وپرورش ابلاغ گردد تا شفافیت و اعتماد لازم در خصوص تأثیر بسزای آشنایی قشر نوجوان با تکالیف شهروندی خود ایجاد شود.

سپاسگزاری

نویسندگان، از تمامی کسانی که یاریگر آن‌ها در نگارش مقاله بودند، کمال قدردانی را به عمل می‌آورند.

منابع

- ابادری، یوسف (۱۳۷۷). خرد جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات طرح نو.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، نشر اطلاعات، تهران.
- اعرافی، علیرضا؛ محمودیان، حسین و شهامت، احمد (۱۳۹۷). وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی، مطالعات فقه تربیتی، دوره ۵، شماره ۹.
- باقری، عباس (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی حق و تکلیف از منظر حقوق اسلامی و حقوق بشر موضوعه. نشریه علمی پژوهشی حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، صص ۵۴-۹۰
- <https://sid.ir/paper/98099/fa>.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- بصیری، حمید (۱۳۹۸). بازشناسی حقوق شهروندی در سیستم‌های آموزشی. اولین کنفرانس آموزش حقوق مدنی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- بیات، بهرام (۱۳۸۶). «رابطه بین متغیرهای اجتماعی و احساس امنیت»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک: رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جاوید، محمدجواد؛ صادقی، محمد؛ و شفیع‌زاده خولنجانی، مصطفی (۱۳۹۱). نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۱، صص ۸۳-۱۱۶.
- https://jviews.ujsas.ac.ir/article_703389.html
- جاوید، محمدجواد؛ و ابراهیمی، محمود. (۱۳۹۲). تکالیف شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۵-۴۶.
- http://mag.shora-rc.ir/article_23.html
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق. چاپ دوازدهم، تهران: نشر گنج دانش.

- جهانیان، وحید الدین (۱۳۹۳). حقوق شهروندی در پرتو کشف جرم. چاپ اول، زاهدان: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- ساندر، رایان (۲۰۲۰). کتاب با عنوان: «آموزش حقوق شهروندی در استرالیا: مهم‌ترین مؤلفه عدالت اجتماعی». ترجمه بهروز دادوند (۱۳۹۸). تهران: انتشارات حقوق شهروندی.
- دهقان‌زاده، سمانه؛ جعفری، سکینه (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزشی کشور. نشریه جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۰۳-۲۱۶.
<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.534732.1124>
- ذاکری ماهانه، راضیه و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳.
<https://dori.net/dor/20.1001.1.17351901.1391.13.3.4.1>
- رشوند، نجمه (۱۴۰۰). نقش آموزش حقوق و تکالیف شهروندی بر هوش فرهنگی شهروندان شهر تهران (مورد مطالعه: منطقه ۲۱). دهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت و بازرگانی.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۲). زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- شایانی، ملیحه (۱۳۹۴). شناخت، توصیف و تحلیل حقوق و تکالیف شهروندان در مدیریت شهری و ارائه راهبردها و راهکارهای ارتقای آن، پروژه مطالعاتی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- شیرازیان، فرچهر (۱۳۸۳). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عملکرد نیروی انتظامی (پلیس ۱۱۰) بر میزان احساس امنیت ساکنین (۴۰-۳۰ سال) منطقه ۳ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
- صدیقی اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶). تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی، مجموعه مقالات ارائه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: انتشارات وزارت کشور، جلد اول

- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- فتحی، سروش (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی رعایت اخلاق شهروندی در فضای شهری. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۴۴-۱۱۵.
- https://urb.dehaghan.iau.ir/article_650746.html
- قاسمی پیربلوطی، اکبر؛ جعفری، میثم (۱۳۹۸). کلیات حقوق شهروندی. تهران: انتشارات مجد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). مجلس شورای اسلامی.
- قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲). مجلس شورای اسلامی.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۰۷). مجلس شورای اسلامی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی مقدم، محمد (۱۳۹۰). حقوق شهروندی. تهران: انتشارات حقوق امروز.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی، چکیده مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- نیک‌ورز، طیبه؛ افراسیابی، فاطمه (۱۳۹۶). تبیین عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق شهروندی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، شماره ۳.
- <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22517634.1397.13.3.6.2>
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۲، سال دوم.
- Abdul Latip, N., Syala, Sh., Liew, M. Sh (2015), "Functional Dimension at 'Kuala Lumpur Waterfront' 1st National Conference on Environment-Behavior Studies", Architecture, Planning &

Surveying, University Technology MARA, Shah Alam, Selangor, Malaysia,14-15.

- Basiri Harris H. (2017). Investigating citizenship rights in the education system. The first national conference on education of civil rights, Shahid Madani University of azerbaijan and the general directorate of education of east azerbaijan province, November 15, 2017.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2005). Mixed methods research: Developments, debates, and dilemmas. *Research in organizations: Foundations and methods of inquiry*, 2, 315-326.
- ECtHR, Douet v. France. (2014). Judgment. (Fifth Section). rendered final on 3 January, §30 (author's translation).
- Hill, B.; Paynich. R.; (2013). *Fundamentals of crime mapping*, second edition, Jones and Bartlett, USA.
- Kappeler, m. (2010). *Civil Liabilities for Police use of Excessive Fors.* cited in john L.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*, Thousand. Oaks, CA: Sage
- Maxwell, J. (2004), *Qualitative research design: an interactive approach*, Second Edition, London: Sage Publications.
- Ritzer, George, (2001) *encyclopedia of social theory*, sage publication: London, volume 1-2, pp 93
- Rivelli S. (2017). *Citizenship education at high school a comparative study between Bolzano and Padova (Italy)*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2): 4200-4207.
- Schulz, W., Ainley, J., Fraillon, J., Kerr, D. and Losito, B. (2017) *Initial Findings from the IEA International Civic Education Study*, Amsterdam: IEA.
- Stanko, Elizabet. (2014). *The Case of Fearful Woman: Gender, Personal Safety and Fear of Crime*, *Woman and Criminal Justice*,4.
- Turner, B.S. (2010). *Contemporary Citizenship: Four Types*. *Journal of Citizenship and Globalization Studies*, Vol. 1, No. 1, pp. 10-23.